ازدواج دختران امام کاظم (ع)

مصطفی صادقی کاشانی

چکیده

گفته می‌شود دختران امام کاظم (ع) ازدواج نکردند. این به دلیل وصیت آن حضرت بود. منشأ این سخن، گزارشی از یعقوبی مورخ است که در این مقاله به نقد و بررسی آن می‌پردازیم. آن‌گونه که از مجموع گزارش‌های تاریخی و روایات منابع اسلامی برمی‌آید، می‌توان سخن یعقوبی را تأیید کرد؛ هر چند امام معصوم بر خلاف سنت نبوی وصیت نفرموده، بلکه آن حضرت بر اساس روایتی، به ازدواج کردن فرزندانش تأکید می‌کنند.

واژگان کلیدی: امام کاظم (ع)، دختران، ازدواج، وصیت.

مقدمه

ازدواج از سنت‌هایی است که در اسلام بر آن تأکید شده و همه بزرگان به ویژه معصومان و شخص رسول خدا (ص) به آن پای‌بند بودند و خود و خانواده‌شان به این سنت عمل کردند. امام کاظم (ع) تنها امامی هستند که درباره ازدواج فرزندان ایشان تردیدهایی وجود دارد که به رغم کثرت فرزندان دختر و پسر، برخی تاریخ‌نویسان از شوهر نکردن دختران آن حضرت خبر داده‌اند. این خبر، منشأ گفت‌وگو و ردّ و قبول‌هایی توسط نویسندگان شده است.

ص: ۲۳۹

تحقیق حاضر، در پی بررسی این موضوع است با این سؤال که چه شواهدی بر درستی یا نادرستی این گزارش وجود دارد؟

این نوشتار، در موضوع خود دارای پیشینه است، اما به گمان نگارنده، این بررسی‌ها کافی نیست و نگاهی که نوشته حاضر دارد با آن‌ها متفاوت است. مقاله‌ای با عنوان «سبب ترک ازدواج دختران موسی‌بن جعفر (علیهما السلام)» اثر سیدعباس رفیعی‌پور علویجه در مجموعه مقالات کنگره حضرت معصومه (علیها السلام)۱ و بخشی کوتاه از مقاله «معصومه آل‌رسول» نوشته فاطمه غفارنیا در همان مجموعه مقالات۲ وجود دارد که هر دو به صراحت سخن یعقوبی مورخ را ردّ کرده‌اند. اما به نظر می‌رسد دلایل آنان برای ردّ وی کافی نیست. برخی کتاب‌هایی که درباره زندگانی امام هفتم نوشته شده نیز به مناسبتِ فرزندان آن حضرت، به این موضوع اشاره‌ای کوتاه دارند. در فضای مجازی نیز پاسخ‌هایی به این پرسش داده شده که غالباً منشأ واحدی دارند و این مقاله به بررسی آن‌ها می‌پردازد.

---

۱. ج ۱، ص ۴۱۷- ۴۳۳.

۲. ج ۴، ص ۹۵- ۹۷.

هدف از این تحقیق، کمک به حلّ پرسشی درباره زندگانی ائمه است. چون بخشی از زوایای رفتاری آنان و خانواده‌هایشان، هم‌چنان جای سؤال و بررسی دارد و ضرورت نشان دادن رفتار آن بزرگواران به عنوان الگوی زندگی، نیازی است که این تحقیق‌ها را ضروری می‌نماید.

در این نوشتار، ابتدا به بیان اقوال و گزارش‌هایی می‌پردازیم که درباره ازدواج دختران امام هفتم وجود دارد و در قسمت دوم، به دنبال شواهدی می‌گردیم که به اثبات یا نفی این روایت‌ها کمک کند. در بحث سوم تلاش خواهد شد تحلیلی از مجموع اخبار و گزارش‌ها ارائه شود.

ص: ۲۴۰

الف) گزارش‌ها

درباره ازدواج دختران امام کاظم (ع) سه دسته گزارش یا روایت وجود دارد: نخست سخن یعقوبی است که می‌گوید: «امام وصیت فرمود دخترانش ازدواج نکنند و آنان هم شوهر نکردند.» دوم گزارش کتاب تاریخ قم است که می‌گوید: «آنان ازدواج نکردند.» سوم وصیت‌نامه امام کاظم (ع) است که ازدواج دخترانش را مشروط به اجازه امام رضا (ع) می‌کنند.

یعقوبی نخستین کسی است که گزارش ازدواج نکردن دختران امام کاظم (ع) را آورده و سخن او منشأ اصلی این بحث است. همه کسانی که این موضوع را نقل کرده‌اند، مستقیم یا با واسطه از وی روایت می‌کنند. یعقوبی هنگام یاد کردن از فرزندان حضرت می‌نویسد:

او وصیت کرد دخترانش ازدواج نکنند. پس هیچ‌یک ازدواج نکردند مگر ام‌سلمه که در مصر به قاسم‌بن محمد] دیباج [بن جعفر] صادق [شوهر کرد. این ازدواج، سبب نزاعی میان دو خانواده شد و شوهر، قسم یاد کرد که جامه از آن دختر دور نکند و هدفش از این ازدواج، فقط آن بوده که ام‌سلمه را به حج ببرد.۳

یعقوبی از قدیم‌ترین تاریخ‌نگاران اسلامی است که وفات او را حدود سال ۲۹۰ هجری ذکر می‌کنند. (۲۸۴ یا زنده در سال ۲۹۲). درباره گرایش مذهبی وی، تقریباً بر تشیع، بلکه امامی بودن او اتفاق نظر وجود دارد. البته شیوه تاریخ‌نگاری وی بر سبک معمول مورخان اهل‌سنت یعنی گزارش تاریخ سیاسی و رویدادهای خلافت است.

ص: ۲۴۱

دومین کتابی که درباره این موضوع به صراحت سخن گفته، تاریخ قم است که در آن می‌خوانیم:

---

۳ . تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۱۵.

به من رسیده است که رضائیه دختران خود را به شوهر نمی‌دادند؛ زیرا که کسی که همسر و هم‌کفو ایشان بوده باشد، نمی‌یافتند و موسی بن جعفر (ع) را ۲۱ دختر بوده است و از این جهت هیچ یکی را از ایشان به شوهر نداده است تا غایتی که این معنی در میان دختران ایشان عادت شده است و محمّدبن‌علی‌الرضا به شهر مدینه ده دیه وقف کرده است بر دختران و خواهران خود که شوهر نکرده‌اند و از ارتفاعات آن دیه‌ها، نصیب و قسط رضائیه که به قم ساکن بوده‌اند، از مدینه جهت ایشان آورده.۴

متن اصلی تاریخ قم که به زبان عربی بوده و در قرن چهارم نوشته شده، امروزه در دست نیست و آنچه نقل شد، از ترجمه این کتاب است که در قرن نهم نگاشته شده است.

کاوش در منابع روایی و کتب تاریخ اسلام و ائمه و به ویژه انساب طالبیان، جز این دو مورد را به دست نمی‌دهد. اما متأخران و معاصرانی که از این موضوع سخن می‌گویند، همه از یعقوبی نقل می‌کنند۵ و دیده نشده کسی به تاریخ قم ارجاع دهد.

سند مهم دیگری که به ازدواج دختران امام کاظم (ع) اشاره دارد، وصیت‌نامه آن حضرت است که در دو کتاب کافی و عیون الاخبارالرضا وجود دارد.۶ ایشان در این وصیت، ازدواج دخترانش را به فرزندش امام رضا (ع) می‌سپارند و تأکید می‌کنند که غیر از امام رضا (ع) کسی حق دخالت در امر ازدواج آنان را ندارد،

چون وی به امر ازدواج خانواده‌اش آگاه‌تر است.۷ حضرت در ادامه می‌فرمایند:

هر یک از همسرانم شوهر کنند، حق بازگشت ندارند مگر آن‌که علی بخواهد؛ دخترانم هم این‌گونه‌اند.۸

وصیت دیگری در این دو کتاب هست که شباهت زیادی به وصیت پیشین دارد.۹ در این متن هم به نقل از امام می‌خوانیم:

---

۴ . تاریخ قم، ص ۲۲۱.

۵ . احقاق‌الحق، ج ۲۸، ص ۵۸۵؛ مسندالامام الکاظم، ج ۱، ص ۱۸۰؛ حیاة الامام موسی بن جعفر، ج ۲، ص ۴۹۷.

۶ . کافی، ج ۱، ص ۳۱۷؛ عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۳۵.

۷ .« و إن أراد رجل منهم أن یزوّج اخته فلیس له أن یزوّجها إلا بإذنه و أمره، فإنّه أعرف بمناکح قومه ...».

۸ .« و بناتی بمثل ذلک ولا یزوّج بناتی أحد من إخوتهن من امهاتهن و لا سلطان و لا عمّ إلا برأیه(عیون: و لا عمل لهن الا برایه) و مشورته، فان فعلوا غیر ذلک فقد خالفوا اللّه و رسوله و جاهدوه فی ملکه و هو أعرف بمناکح قومه، فان أراد أن یزوّج، زوّج و ان أراد أن یترک ترک.»

۹ . کافی، ج ۷، ص ۵۴؛ عیون‌اخبارالرضا، ج ۱، ص ۳۸.

اگر یکی از دخترانم ازدواج کرد، در اموال من حقی نخواهد داشت، مگر آن‌که به خانه پدر برگردد. ضمناً فرزندان دختری‌ام در این اموال حقی ندارند.۱۰

مطلب جالب توجه این‌که آنچه از وصیت‌های ائمه در دست است، از امام کاظم (ع) نقل شده و کلینی آن‌ها را در باب «صدقَات النَبی و فَاطمه و الائمه و وصایاهم» آورده است.۱۱

آنچه امام کاظم (ع) درباره دختران خود فرموده، در وصایای دیگر ائمه به چشم نمی‌خورد تا بتوان درباره آن مقایسه یا تطبیقی انجام داد.

ب) شواهد نفی یا اثبات

بهترین راه برای بررسی این موضوع، مراجعه به گزارش‌هایی است که درباره ازدواج دختران امام کاظم (ع) وجود دارد. با توجه به تعدد دختران آن حضرت،

اگر گزارش‌هایی از شوهران یا فرزندان آنان یافت شود، خبر یعقوبی نقض خواهد شد. مراجعه به آثاری که فرزندان حضرت را شمارش کرده‌اند، جز نام آن‌ها مطلبی به دست نمی‌دهد. برای نمونه، از کتب تاریخ و انساب به چند اثر اشاره می‌شود:

شیخ مفید در پایان زندگانی امام کاظم (ع) ذیل باب «عدد أولاده و طرف من أخبارهم» می‌نویسد:

آن حضرت ۳۷ فرزند داشت: فاطمه کبرا، فاطمه صغرا، رقیه، حکیمه، امابیها، رقیه صغرا، کلثم، امّ جعفر، لبابه، زینب، خدیجه، علّیه، آمنه، حسنه، بریهه، عایشه، امّسلمه، میمونه و أمّکلثوم که مادران همه این‌ها کنیز بودند.۱۲

شیخ مفید سپس آگاهی‌هایی درباره فرزندان امام هفتم ارائه می‌دهد، اما به دختران آن حضرت یا ازدواج آن‌ها یا شوهرانشان اشاره‌ای نمی‌کند. به طور کلی، شیوه وی همین است که در پایان زندگی هر امام، بخشی را به فرزندان او اختصاص می‌دهد و درباره مهم‌ترین فرزندان امام مطالبی را بیان می‌کند. این مطالب در کتاب‌های اعلام‌الوری و کشف‌الغمه هم آمد است.۱۳

---

۱۰ .« فان تزوجت امرأه من ولد موسی بن جعفر فلا حقّ لها فی هذه الصدقهٔ حتی ترجع إلیها بغیر زوج، فإن رجعت کان لها مثل حظّ التی لم تتزوج من بنات موسی ... و لیس لولد بناتی فی صدقتی هذه حق إلا أن یکون آباؤهم من ولدی.»

۱۱ . کافی، ج ۷، ص ۴۷.

۱۲ . ارشاد، ج ۲، ص ۲۴۴.

۱۳ . اعلام الوری، ج ۲، ص ۳۶؛ تذکره‌الخواص، ص ۳۱۵؛ کشف‌الغمه، ج ۲، ص ۷۴۶ و ۷۴۷.

پیش از این در کتاب تاریخ اهل‌البیت که گاه به ابن‌ابی‌ثلج و گاه به جهضمی یا دیگران نسبت داده می‌شود، نام پانزده نفر از دختران امام آمده و تفصیل و توضیحی درباره آنان داده نشده است.۱۴ مورخان و محدثان دیگر مانند طبرسی، ابن‌جوزی و اربلی هم فقط نام دختران امام را آورده‌اند.۱۵

از نسب‌شناسان، ابونصر بخاری، امام کاظم (ع) را صاحب ۲۲ دختر می‌داند، اما

نامی از هیچ‌یک نمی‌برد و سخنی درباره دختران بیان نمی‌کند.۱۶ ابن‌صوفی، آن حضرت را دارای ۲۲ پسر و ۳۷ دختر دانسته و از آنان نام برده است.۱۷ البته در غالب کتب انساب مانند جمهره، الفخری و عمده‌الطالب، نامی از دختران امام نیست؛ چون نسب‌نویسان در صدد بیان نسل و نسب افراد هستند و این موضوع، جز با اشاره به فرزندان پسر محقق نمی‌شود؛ از این رو، انتظار نمی‌رود که از دختران ائمه یاد کنند.

اکنون از گزارش‌هایی که درباره ازدواج دختران امام وجود دارد، سخن می‌گوییم:

۱. نخستین مورد همان است که یعقوبی در ادامه نفی ازدواج دختران امام به آن اشاره کرده است. وی می‌گوید: «ام‌سلمه با قاسم‌بن‌محمد در مصر ازدواج کرد.» منظور وی قاسم، مشهور به طیب پسر محمد دیباج است و محمد دیباج فرزند امام صادق (ع)؛ بنابراین ام‌سلمه با پسر عموی خود عقد بست تا از مصر به مکه برود. گزارش عقد این دو نفر در جای دیگری یافت نشد. جست وجو درباره فرزندان قاسم و نام مادر آنان هم کمکی به این بحث نمی‌کند؛ زیرا مورخان و نسب‌شناسان از همسر وی یا مادر فرزندانش یاد نکرده‌اند.

۲. فخر رازی می‌نویسد: «هرویه گمان کرده‌اند که مادر جعفرالملک‌بن محمدبن عبداللّه بن محمدبن عمر اطرف، زینب دختر موسی بن جعفر بوده است.»۱۸ ظاهراً منظور از هرویه، اهل هرات است. جعفرالملک که نسب او به عمر اطرف فرزند امام علی (ع) می‌رسد، از حجاز به هند گریخت و در آن‌جا با استقبال مردم روبه‌رو شد و در مولتان هند به حکومت رسید و نسل او در آن دیار مشهورند.۱۹

---

۱۴ . تاریخ اهل البیت، ص ۱۰۷.

۱۵ . مجموع اقوال درباره فرزندان امام کاظم، نک: مسند الامام الکاظم، ج ۱، ص ۱۷۷ به بعد؛ همچنین رساله فی تواریخ النبی و الآل، ص ۸۵.

۱۶ . سرالسلسله العلویه، ص ۳۶.

۱۷ . المجدی، ص ۲۹۸.

۱۸ . الشجره المبارکه، ص ۲۰۶.

۱۹ . همان، ص ۲۰۸؛ عمده‌الطالب، ص ۳۳۵.

سخن فخر رازی درباره همسری زینب با پدر جعفرالملک جای دیگری یافت نشد و او هم با تردید، عبارت «زعم الهرویه» را نقل کرده که گویا برای خودش هم ثابت نبوده است.

۳. در کتاب اخبارالزینبات، منسوب به یحیی‌بن‌حسن عبیدلی نسابه، فاطمه دختر امام کاظم (ع) با کنیه امّ‌الذریه، همسر قاسم‌بن‌محمد دانسته شده که همراه پدر و مادرش به مصر نزد احمدبن‌طولون رفت.۲۰ منبع این سخن معتبر نیست.

مرحوم شوشتری می‌گوید: «کتاب اخبارالزینبات که به یحیی‌بن‌حسن علوی (م ۲۷۷) نسبت داده می‌شود، ساخته معاندان و مشتمل بر مطالبی نادرست است.»۲۱ هم‌چنین مقاله‌ای به بررسی این کتاب پرداخته و نویسنده پس از بررسی آن از زوایای گوناگون، انتساب کتاب را به عبیدلی نادرست می‌داند و می‌نویسد: «ظاهراً این کتاب توسط کسانی ساخته شده که خواسته‌اند مزار زینب کبرا (علیها السلام) را در مصر نشان دهند»؛۲۲ زیرا این کتاب، منبع اصلی برای وجود مرقد حضرت زینب در مصر است.۲۳ اخبارالزینبات نخستین بار در سال ۱۳۳۳ توسط سیدحسن محمد قاسم مصری در کشور مصر، ضمن رساله‌ای درباره حضرت زینب (علیها السلام) منتشر شد۲۴ و سپس شهرت یافت و مکرر چاپ شد. فهرست‌نویسانی که از یحیی بن الحسن علوی عبیدلی یاد کرده‌اند، نامی از این کتاب نبرده‌اند.۲۵

این مطلب به این شکل در جای دیگری یافت نشد. البته سخاوی از قبر ام‌الذریه همسر قاسم‌الطیب در مصر سخن می‌گوید، اما از این‌که او دختر

امام‌کاظم (ع) است حرفی نزده، بلکه می‌نویسد:

و بالتربه ایضاً قبر السیده أم الذریه زوجه القاسم الطیب و هی تحت القبه الی جانب قبر ولدها کانت من الزاهدات العابدات وهی مذکوره فی طبقات الاشراف.۲۶

---

۲۰ . اخبارالزینبات، ص ۱۳۲.

۲۱ . قاموس‌الرجال، ج ۱۱، ص ۳۸.

۲۲ . سیدحسن فاطمی، بررسی اعتبار کتاب اخبارالزینبات، مجله کتاب‌های اسلامی، ش ۲۱، تابستان ۱۳۸۴.

۲۳ . موسوعه کربلا، ج ۲، ص ۶۴۵؛ بررسی اعتبار کتاب اخبار الزینبات.

۲۴ . نک: مقدمه کتاب الذریعه، ج ۱، ص ۳۳۲.

۲۵ . نک: رجال نجاشی، ص ۴۴۱؛ فهرست طوسی، ص ۵۰۵.

۲۶ . تحفه‌الاحباب، ص ۲۱۱؛ و به نقل از او: اعلام‌النساء، ج ۱، ص ۴۲۷.

بنابراین قبری منسوب به همسر قاسم بن محمد در مصر هست، اما این‌که او دختر امام کاظم (ع) باشد دلیل روشنی ندارد. از طرفی، روشن نیست سخاوی (درگذشته در اواخر قرن نهم)، این مطلب را از نسخه منسوب به عبیدلی گرفته یا نسخه اخبارالزینبات از کتاب سخاوی استفاده کرده است. احتمال دیگر این که منشأ این اقوال، همان گزارش یعقوبی است و منظور از ام‌الذریه، معنای لغوی آن است یعنی مادر فرزندان قاسم؛ به خصوص که چنین کنیه‌ای نه‌تنها در ردیف دختران امام هفتم ذکر نشده، بلکه در میان عرب هم معمول نبوده و مشابه آن در نام‌های زنان یافت نشد!

در هر صورت هیچ‌یک از این دو منبع برای اثبات اینکه همسر قاسم‌الطیب، دختر امام هفتم بوده است، کافی نیست.

۴. هم‌چنین در کتاب اخبارالزینبات آمده که زینب دختر امام کاظم (ع) همراه شوهرخواهرش قاسم بن محمد بن جعفر الصادق به مصر هجرت کرد.۲۷ البته مؤلف کتاب، این مطلب را این‌گونه آورده که: «جدم گفت گمان می‌کنم زینب دختر موسی‌بن جعفر (علیهما السلام) به مصر هجرت کرده است».۲۸ گویا این مطلب بر اساس گزارش یعقوبی و با توجه به آن تنظیم شده است.

البته زیارتگاهی منسوب به زینب دختر امام کاظم (ع) در اطراف اصفهان پیدا

شده که بررسی‌ها نشان می‌دهد منبع این سخن هم اعتباری ندارد.۲۹

۵. یاقوت حموی می‌گوید: «در قرافه مصر، قبری منسوب به آمنه دختر موسی بن جعفر وجود دارد.»۳۰ کتاب المجدی هم از وجود این قبر خبر داده است.۳۱ اما هیچ‌یک از این گزارش‌ها، به ازدواج آنان یا فرزندانشان اشاره نکرده‌اند.

۶. نسب‌شنایان می‌گویند: جعفر بن عبید اللّه بن امام کاظم، مشهور به ابن أمّ‌کلثوم است. منظور از ام‌کلثوم دختر امام کاظم است (ع) زیرا جعفر در دامان عمه‌اش ام‌کلثوم رشد یافت و این زن به منزله مادرش بود.۳۲ پس این نسبت هم دلیلی بر ازدواج نیست، بلکه فرزند برادر را بزرگ کرده است.

۷. طبری ذیل رویدادهای سال ۲۳۱ قمری، نقل می‌کند که ام‌ابیها دختر موسی‌بن جعفر (علیهما السلام) در این سال از دنیا رفت.۳۳ مورخان بعدی مانند ابن‌اثیر و ابن‌کثیر نیز این مطلب را به نقل از طبری آورده‌اند.۳۴ اما هیچ‌یک توضیح

---

۲۷ . اخبارالزینبات، ص ۱۳۳.

۲۸ . همان.

۲۹ . بررسی احوال فرزندان امام موسی کاظم(ع)، ص ۲۶۱.

۳۰ . معجم‌البلدان، ج ۵، ص ۱۴۲.

۳۱ . المجدی، ص ۲۹۸؛ تحفه‌الاحباب، ص ۲۰۶؛ اعلام‌النساء، ج ۱، ص ۱۷.

۳۲ . المجدی، ص ۲۹۹ و ۳۰۶.

بیش‌تری درباره وی نداده‌اند. این پرسش هم وجود دارد که چگونه از بین آن همه دختران امام کاظم (ع) فقط مرگ امابیها ثبت شده است؟ آیا وی ویژگی‌ای داشته یا از آن‌جا که این مورخان غالباً به ثبت تاریخ سیاسی می‌پردازند، امابیها مانند برادرانش نقشی در رویدادهای سیاسی داشته است؟

۸. گفته‌اند حکیمه دختر امام کاظم (ع) قابله امام جواد (ع) بود.۳۵ در جاهای دیگری مانند شهادت امام جواد (ع) هم از او نام برده می‌شود.۳۶ اما در این روایت، توضیح دیگری درباره شخصیت و خانواده وی نیست.

ص: ۲۴۸

۹. ابن‌فندق، مادر حسین بن محمد بن حسین بن عیسی بن زید را دختر امام کاظم (ع) دانسته است.۳۷ اما این مطلب خبری واحد است که در منبع دیگری نیامده و ابن‌فندق هم با اطمینان از آن خبر نداده است، بلکه می‌گوید: «چنین گویند که مادر او دختر موسی کاظم (ع) بود». بنابر اعتمادی به این سخن نیست.

۱۰. در روایات از شخصی به نام «هاشمیه مولاه رقیه بنت موسی» یاد شده است.۳۸ در این‌جا نیز نام یکی از دختران امام کاظم (ع) آمده، اما می‌دانیم که وجود مولا برای زن، ارتباطی با ازدواج او ندارد.

۱۱. در فروع فقهی، پرسشی از امام رضا (ع) درباره خواجگان شد. آن حضرت فرمود: «این‌گونه افراد بر دختران امام کاظم (ع) وارد می‌شدند در حالی که آنان پوششی نداشتند.»۳۹ قطع نظر از صحت و سقم خبر و بحث فقهی آن، این‌جا هم نامی از دختران امام برده شده و نامی از خانواده و شوهران در آن وجود ندارد.

آنچه گفته شد، همه اخبار یا گزارش‌هایی است که درباره دختران امام کاظم (ع) یافتیم و گمان بر این است که جز این، مطلبی درباره آن‌ها وجود ندارد. این شواهد، هیچ‌یک دلیلی بر وجود همسر یا ازدواج یکی از دختران نیست؛ زیرا برخی از آن‌ها اساساً ازدواجی را گزارش نمی‌کنند و برخی هم که بر ازدواج دلالت دارند، از نظر منبع ضعیف هستند.

ج) تحلیل و بررسی

---

۳۳ . تاریخ طبری، ج ۹، ص ۱۴۵.

۳۴ . الکامل، ج ۷، ص ۲۶؛ البدایه و النهایه؛ ج ۱۰، ص ۳۰۷.

۳۵ . مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۳۹۴؛ الدرالنظیم، ص ۷۰۳.

۳۶ . مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۳۹۴.

۳۷ . تاریخ بیهق، ص ۲۸۵.

۳۸ . ارشاد، ج ۲، ص ۲۴۵.

۳۹ . عیون الاخبارالرضا، ج ۲، ص ۱۹؛ کافی، ج ۵، ص ۵۳۲.

اکنون چند دسته مطلب در اختیار ماست:

اول آن‌که یعقوبی به صراحت، ازدواج دختران امام کاظم (ع) را منتفی و علت آن را وصیت پدرشان می‌داند.

ص: ۲۴۹

دوم، وصیت‌نامه آن حضرت در کافی و عیون الاخبار، ازدواج آنان را به اجازه امام رضا (ع) مشروط کرده و البته نسبت به اصل آن نهی یا منعی نفرموده است.

سوم، گزارش‌های مستقیم یا غیرمستقیم از همسری دختران امام با برخی افراد است. منظور از مستقیم آن‌که صریحاً سخن از ازدواج زده شده و منظور از غیرمستقیم، اشاره به فرزندی از ایشان است. از این مطلب نتیجه گرفتیم که هیچ گزارشی از ازدواج یکی از دختران امام یا وجود فرزندی برای یکی از ایشان، قابل اعتماد و اعتبار نیست.

در بررسی و تحلیل این اقوال و روایات، می‌توان گفت که امام کاظم (ع) بر اساس سیره مشخص معصومان و تأکید اسلام بر این سنت، از ازدواج دخترانش منع نکردند. فقط در وصیت‌نامه، شرطی برای این ازدواج‌ها قرار دادند که این شرط مخالفتی با قرآن و سنت ندارد. اما آنچه اتفاق افتاد، ازدواج نکردن آن‌ها بود.

آنچه باقی می‌ماند، سخن یعقوبی و علت ازدواج نکردن آن‌هاست. تصور بر این است که یعقوبی در نقل مطلب، قدری به خطا رفته باشد. امام وصیت فرمود که دخترانش جز با اجازه امام رضا (ع) شوهر نکنند ولی اوضاع به گونه‌ای شد که آنان شوهر نکردند. این تصریح وصیت امام نیست، بلکه از آن برداشت شده است. گویا مشروط کردن ازدواج دختران به اذن برادرشان، این نتیجه را در پی داشته است. تصور این‌که یعقوبی همین مطلب را با تفاوت و قدری خطا نقل کرده، شواهدی است که نشان می‌دهد وی روایاتی از محافل امامیه گرفته، در حالی که دیگر مورخان این اخبار را نیاورده‌اند؛ مثل سخنی از ابوذر که بر اساس عقاید شیعه امامیه است و دیگران به ندرت آن را گفته‌اند. او با اشاره به آیه ۳۳ آل‌عمران (إِنَّ اللَّهَ اصْطَفى آدَمَ وَ نُوحاً وَ آلَ إِبْراهِيمَ وَ آلَ عِمْرانَ عَلَى الْعالَمِينَ) و تجلیل از امام علی (ع)، آن حضرت را وصی حضرت محمد (ص) و وارث علم او می‌داند و می‌گوید: «اگر آن‌که را خدا خواسته بود انتخاب می‌کردید ... دو نفر

ص: ۲۵۰

اختلاف نمی‌کردند.»[۴۰] این مطلب در دیگر کتب تاریخ سیاسی صدر اسلام یافت نشد ولی در منابع شیعه هست. مورد دیگر سخن مالک اشتر هنگام بیعت با امیر مؤمنان (ع) است:

«هذا وصی الأوصیاء، و وارث علم الأنبیاء.»[۴۱]

---

۴۰ . تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۷۱.

۴۱ . همان، ص ۱۷۹.

این هم به منابع شیعی اختصاص دارد. جویریه بن مسهر از مبغوضان بنی‌امیه بود که به دلیل تشیع کشته شد. یعقوبی تنها مورخی است که از او به تصحیف نام می‌برد.۴۲ این نمونه‌ها، به خوبی نشان می‌دهد که این مورخ شیعی امامی، این روایات را متأثر از منابع و محافل علمی و حدیثی امامیه نقل کرده است. از سوی دیگر ذکر نکردن اسناد، هم‌چنین تحریف و تصحیف‌ها در کتاب یعقوبی و اشکالات ناشی از منحصر بودن نسخه آن، این احتمال را تقویت می‌کند که وی مطلبی جز آنچه در وصیت امام کاظم بود، در نظر نداشته است.

دقت در دو عبارت و نزدیک بودن آن‌ها به یک‌دیگر، احتمال این خطا را تأیید می‌کند:

۱. تاریخ یعقوبی: «أوصی موسی بن جعفر ألا تتزوج بناته».

۲. وصیت‌نامه امام (در کافی و عیون‌الاخبار):

«ولا یزوّج بناتی أحد من إخوتهن من امهاتهن و لا سلطان و لا عمّ (عمل لهن) إلا برأیه و مشورته، فان فعلوا غیر ذلک فقد خالفوا اللّه و رسوله و جاهدوه فی ملکه و هو أعرف بمناکح قومه.»

علت ازدواج نکردن دختران امام

اگر آنچه گفتیم درست باشد و دختران امام کاظم (ع) ازدواج نکرده باشند، درباره علت این کار فرضیه‌ها و احتمالاتی قابل طرح است. البته آنچه به ذهن

می‌رسد بیش از فرضیه و احتمال نیست؛ زیرا دلایل محکمی همراه آن نیست۴۳ تا بتوان آن را به منزله فرضیه‌ای علمی مطرح کرد.

فرضیه نخست: در وصیت امام بر نکته‌ای تأکید شده که می‌تواند راه‌گشا و کلیدی باشد. امام می‌فرماید: «اگر دختری ازدواج کرد، دیگر حقی در اموال پدر ندارد.» البته علت این امر بر ما پوشیده است و نمی‌دانیم چرا آن حضرت با وجود اموال فراوان، استفاده آن‌ها را برای دختران شوهردار خود منع فرمودند.

از وصیت‌نامه استفاده می‌شود که حساسیتی درباره ازدواج دختران آن حضرت، وجود داشته که ایشان چنین توصیه‌هایی فرمودند. این‌که فقط امام رضا (ع) حق شوهر دادن آنان را دارد و این‌که اگر ازدواج کردند، حقی در اموال آن حضرت نخواهند داشت، مطالبی است که نشان‌دهنده خصوصیتی درباره ازدواج دختران آن حضرت است؛ در صورتی که فرزندان امام از کنیزان متعدد بوده‌اند و هر یک یا چند دختر، برادرانی از مادر جداگانه داشته‌اند که امور آن‌ها را سرپرستی کند.

---

۴۲ . یعقوبی در کتاب تاریخ خود(ج ۲، ص ۲۱۴) از او نام برده، ولی به تصحیف حویزه گفته است.

۴۳ . چون دست ما از گزارش‌ها و روایات در این‌باره کوتاه است.

در هر صورت، گویا نتیجه‌ای که از این وصیت به دست آمد، این بود که دختران برای محروم نشدن از حقوق مادی و اموال منقول و غیر منقول پدر، به ازدواج تن ندهند.

فرضیه دوم: به فرض آنکه دختران امام از کنیزان متعدد به شمار آمده و هنگام شهادت آن حضرت، در کودکی یا سنین زیر بلوغ بوده‌اند، این احتمال هست که تا زمان شهادت امام رضا (ع) یعنی بیست سال پس از شهادت پدرشان، سن آنان مقتضی ازدواج نبود و پس از شهادت برادرشان نیز خلاف وصیت صریح پدر عمل می‌شد، از این رو شوهر نکردند.

فرضیه سوم: شاید سخت‌گیری امام به علت برخی سوءاستفاده‌های مخالفان

حضرت بوده باشد. این فرضیه نیز بر این فرضیه مبتنی است که ثابت شود سفر حضرت معصومه (علیها السلام) به طرف مرو، در پی خواستگاری مأمون از ایشان بود.۴۴ این مطلب نیز در منابع معتبر و متقدم نیامده است تا بتوان بر آن اساس چنین گمانی را داشت. در این باره، دلایل دیگری هم ذکر شده که قابل نقد و گفت وگوست.۴۵

یکی سخن نویسنده تاریخ قم است که «رضائیه دختران خود را به شوهر نمی‌دادند؛ زیرا که کسی که همسر و هم‌کفو ایشان بوده باشد نمی‌یافتند». این دلیل نمی‌تواند درست باشد؛ چون در زندگی فرزندان ائمه قبل و بعد از امام هفتم چنین چیزی یافت نمی‌شود و حتی گاه آن‌ها با افرادی ازدواج کرده‌اند که از دشمنان یا دست‌کم مخالفان امامت اهل‌بیت (علیهم السلام) بوده‌اند. ازدواج دختران پیامبر (ص) و امیرمؤمنان (ع) با افرادی معلوم‌الحال، ازدواج سکینه دختر امام حسین (ع) با افرادی از خاندان زبیر به ویژه مصعب، نمونه کوچکی از عدم همتایی در فرهنگ و عقیده است.

دیگر این‌که گفته می‌شود خفقان و اختناق در عصر هارون، به حدی بود که کسی جرأت نداشت با دختران امام کاظم (ع) ازدواج کند و دامادها در خطر شدیدی بودند.۴۶ این مطلب هم از نظر تاریخی نمی‌تواند تأیید شود؛ زیرا اولًا ائمه شیعه پیوسته توسط حاکمان اموی و عباسی تحت نظر بوده و در وضعیت خفقان به سر می‌برده‌اند و هیچ‌گاه مسائل خانوادگی آنان تحت‌الشعاع این وضعیت قرار نگرفته است. ثانیاً اگر وضعیت خاص دوران امام کاظم (ع) را بپذیریم، این وضعیت در مدت هفده سال امامت حضرت رضا (ع) و حضور آن حضرت در

---

۴۴ . سخن از خواستگاری حضرت معصومه(علیها السلام) در کتاب‌های انوارالمشعشعین، ج ۲، ص ۲۷۵؛ گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۳۸۴؛ انوار پراکنده، ص ۱۴۸، نقل و رد شده است.

۴۵ . در فضای مجازی، این دو پاسخ به سؤال طرح شده، آمده است.

۴۶ . حضرت معصومه فاطمه دوم، ص ۱۱۷.

مدینه (از سال ۱۸۳ یعنی سال شهادت پدر تا اواخر ۲۰۰ یعنی خروج به سمت مرو) وجود نداشت و اوضاع به گونه‌ای بود که آن حضرت بر خلاف معمول ائمه پیش از خود، حتی امامتش را اعلام کرد و تعجب شیعیانش را برانگیخت.۴۷ ثالثاً خفقان و سخت‌گیری هر چه هم زیاد باشد، به گونه‌ای نیست که هیچ‌یک نتواند به این خاندان نزدیک شود و از حدود پانزده۴۸ دختر امام، هیچ‌کدام نتوانند ازدواج کنند. اگر این‌طور است، خانواده پر جمعیت امام چگونه زندگی می‌کردند؟ به هر حال افرادی از فامیل و خویشاوندان نزدیک هستند که بتوانند با اینان وصلت کنند؛ در حالی که هیچ گزارشی از دستگیری یا سخت‌گیری نسبت به منسوبان امام یا خانواده ایشان دیده نشد.

نتیجه

آگاهی‌های ما درباره اصل ازدواج دختران امام کاظم (ع) کامل نیست و به تبع آن ازدواج نکردن ایشان، به روشنی معلوم و قابل اظهار نظر نخواهد بود. سخن یعقوبی در این‌باره صریح است و وصیت‌نامه امام نیز ابهام را برطرف نمی‌کند. از سوی دیگر، مراجعه به منابع تاریخی و روایی، خبری درست و مورد اعتماد از ازدواج ایشان به ثبت نرسانده است. اگر مقاله حاضر نتوانسته تحقیق و بررسی در این موضوع را به اتمام رساند، پیش‌درآمدی خواهد بود برای بررسی‌های بیش‌تر. ضمن آن‌که به این نکته توجه می‌دهد که سخن تاریخ‌نگارانی چون یعقوبی یا قمی، به راحتی قابل ردّ نیست و در نقد آن با استناد به برخی باورهای کلامی یا روایات مشهور نباید شتاب کرد.

منابع

۱. ابن ابی الثلج (م ۳۲۵)، تاریخ أهل البیت، قم: آل البیت، ۱۴۱۰ ق.

۲. ابن الصوفی، محمد عمری علوی (م ۴۶۶)، المجدی فی أنساب‌الطالبیین، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی، ۱۴۲۲ ق.

۳. ابن عنبه، جمال‌الدین احمدحسینی (م ۸۲۸)، عمده‌الطالب فی انساب آل ابی‌طالب، قم: مؤسسه انصاریان، ۱۴۱۷ ق.

۴. ابن کثیر دمشقی، ابولفداء (م ۷۷۴)، البدایه و النهایه، بیروت: دارالفکر، ۱۳۹۸ م.

۵. اربلی، علی بن عیسی (م ۶۹۲)، کشف‌الغمه، قم: نشر رضی، ۱۴۲۱ ق.

۶. بخاری، ابونصر، سر السلسله العلویه، قم: نشر رضی، ۱۳۷۱.

۴۷ . ارشاد، ج ۲، ص ۲۵۵؛ اعلام‌الوری، ج ۲، ص ۶۰.

۴۸ . این کمترین رقمی است که برای دختران امام گفته‌اند.

۷. تهرانی، آقابزرگ، الذریعه الی تصانیف الشیعه، بیروت: دارالاضواء، بی‌تا.

۸. جزری، علی بن اثیر (م ۶۳۰)، الکامل فی التاریخ، بیروت: دارصادر، ۱۳۸۵ ق.

۹. حسین بن یحیی، عبیدلی، اخبارالزینبات، قم: نشر محمدجواد مرعشی نجفی، بی‌نا، ۱۴۰۱ ق.

۱۰. حموی، یاقوت بن عبداللّه، معجم‌البلدان، بیروت: داراحیاء التراث العربی، بی‌تا.

۱۱. رجال نجاشی، تحقیق آیت‌الله شبیری زنجانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ ق.

۱۲. زاهدی، سید یاسین، بررسی احوال فرزندان امام موسی کاظم (ع)، قم: انتشارات جامعه‌المصطفی، ۱۳۹۰.

۱۳. سبط بن جوزی، تذکره‌الخواص، قم: نشر رضی، ۱۴۱۸ ق.

۱۴. سخاوی، علی بن احمد، تحفه‌الاحباب و بغیه‌الطلاب فی‌الخطط و المزارات، القاهره: مکتبه‌الکلیات الازهریه، ۱۴۰۶ ق.

۱۵. شوشتری، قاضی نورالله، احقاق الحق، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۹ ق.

۱۶. شوشتری، محمدتقی، رساله فی تواریخ النبی و الآل، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۲۳ ق.

۱۷.–، قاموس‌الرجال، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۹ ق.

۱۸. شیخ صدوق، عیون اخبارالرضا، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ ق.

۱۹. شیخ طوسی، محمد بن الحسن (م ۴۶۰)، فهرست، تحقیق جواد قیومی؛ بی‌جا: مؤسسه نشر الفقاهه، ۱۴۱۷ ق.

۲۰. شیخ مفید (م ۴۱۳)، ارشاد، بیروت: تحقیق و نشر مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، ۱۴۱۶ ق.

۲۱. طبرسی، فضل بن حسن (م ۵۴۸)، اعلام الوری باعلام الهدی، قم: تحقیق و نشر مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، ۱۴۱۷ ق.

۲۲. طبری، محمد بن جَریر (م ۳۱۰)، تاریخ طبری (تاریخ الامم و الملوک)، تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالتراث العربی، بی‌تا.

۲۳. عطاردی، عزیزالله، مسندالامام الکاظم، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۴۰۹ ق.

۲۴. فاطمی، سیدحسن، بررسی اعتبار کتاب اخبارالزینبات، مجله کتاب‌های اسلامی، ش ۲۱، تابستان ۱۳۸۴.

۲۵. فخر رازی، محمدبن‌عمر (م ۶۰۶)، الشجره‌المبارکه فی‌انساب‌الطالبیه، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی، ۱۴۱۹ ق.

۲۶. فقیه گیلانی، محممهدی، انوار پراکنده، قم: مسجد جمکران، ۱۳۷۶.

۲۷. قرشی، باقر شریف، حیاه الإمام موسی بن جعفر (ع)، بیروت: دارالبلاغه، ۱۴۱۳ ق.

۲۸. قمی، حسن بن محمد بن حسن، تاریخ قم، (نوشته در ۳۷۸)، ترجمه حسن بن علی بن حسن عبدالملک قمی (در ۸۰۵)، تحقیق سیدجلال الدین تهرانی، تهران: توس، ۱۳۶۱.

ص: ۲۵۶

۲۹. قمی، عباس فیض، گنجینه آثار قم، قم: مهر استوار، ۱۳۴۹.

۳۰. کحّاله، عمر رضا، اعلام النساء، دمشق: مؤسسه‌الرساله، ۱۳۷۹ ق.

۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب (م ۳۲۹)، کافی، تحقیق علی‌اکبر غفّاری، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۵ ق.

۳۲. لبیب بیضون، موسوعه کربلاء، بیروت، مؤسسه‌الاعلمی، ۱۴۲۷ ق.

۳۳. مجموعه مقالات کنگره بزرگداشت حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام)، قم: زائر، ۱۳۸۴.

۳۴. نائینی قمی، محمدعلی، انوارالمشعشعین، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی، ۱۳۸۱.

۳۵. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (م ۲۸۴)، تاریخ یعقوبی، بیروت: دارصادر، بی‌تا.۴۹

ص: ۲۵۷

---

۴۹ همایش سیره و زمانه امام کاظم علیه السلام (۱۳۹۲: قم)، مجموعه مقالات همایش سیره و زمانه امام کاظم علیه السلام، ۲جلد، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه – قم – ایران، چاپ: ۱، ۱۳۹۲ ه.ش.